

نویسنده : علی محمد لطفی (Ali.M. Latfi).

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «04-11-2019».

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

زندگی در کشور بمباردترین شده توسط

هواپیماهای بدون سرنشین در جهان

Life in the most Drone – bombed country in the world

جنگ در افغانستان، کشور را به زمین آزمایش ناخواسته ای

برای فناوری جنگ تبدیل کرده است

The war in Afghanistan has turned the country into an unwilling testing ground for warfare technology



هنوز اولین باری است که **خالد** در باره هواپیمای بدون سرنشین (بدون پیلوت) شنیده است او در این هنگام (ده) ساله بود که در صنف مکتب خود در خوگیا نی، منطقه ای در نزدیکی خط دیورند در ولایت ننگرهار واقع در شرق کشور نشسته بود، گروه از دوستان ویا رفقای هم کلاس اش با شگفتی و تعجب در مورد مرگ ویا درگذشت اخیر یک مرد محلی بینهم صحبت میکردند.

یکی از آنها گفت سپیس هوا پیمای بدون سرنشین آمد و از صدای هوا پیمای بدون سرنشین تقلید کرد « واو مرد ».

خالد نه فهمید که دوستان او چه میگویند؟ گویی که او تنها کسی است که از فهمیدن یک راز خارج شده و یا که بیرون مانده است؟ لذا سرانجام **خالد** تصمیم گرفت تا موضوع را از معلم خود بپرسد که این پسران یا هم کلاسهای من چه میگویند؟ من نمیدانم که هواپیمای بدون سرنشین یعنی چه؟

پاسخ معلم به **خالد** هم نامیمون و هم وابسته به بینش و ادراک بود. وی به **خالد** گفت: این چیزی است که وقتی به آن توجه کردید؛ دیگر زندگی نخواهید کرد.

این رویداد و یا موضوع مورد بحث بین دوستان **خالد** در سال (2007) بود؛ **خالد** اکنون (22) ساله است؛ درگیری ارتش ایالات متحده آمریکا در افغانستان ناشی از حملات القاعده در «11» ماه سپتامبر سال (2001) بود و از آن زمان آموختن در مورد هواپیماهای بدون سرنشین برای **خالد** شش سال سپری شده بود اما هجوم و یا بمب افگنی ها توسط هواپیماهای بدون سرنشین تا اینجا پیش میرود یا که تاکنون ادامه دارد.

اولین نمونه از هواپیماهای بدون سرنشین که غیر نظامیان را به قتل رسانده بود در سال «2002» بود وقتی مردی بنام **درازخان** (Daraz Khan) توسط یک موشک بنام هیلفیر «Helfire» کشته شد که توسط یک پهپاد یا هواپیمای بدون سرنشین یغماگر (predator) در شرق ولایت خوست به زمین افتاد؛ و ایالات متحده به این ظن و یا گمان افتاد که این شخص «اسامه بن لادن» است. حالانکه ساکنان محل اظهار داشتند که این شخص **درازخان** بود که در جستجوی جمع آوری تکه پارچه های فلزات بود.

خالد اکنون برای معلومات شما باید اذعان کرد که از آن زمان به بعد ولایت ننگرهار به مرکز فعالیت و یا به میدان توپ بازی گروه های مسلح تبدیل شده است؛ ابتدا طالبان و بعداً نیروهای که ادعا میشود کسانیکه به داعش بعیت کرده اند و نیز به مرکز داد و ستد مواد مخدر درآمده است. و در کنار آن همچنان این ولایت کنون به یکی از محل بمب گذاری های هواپیماهای بدون سرنشین در سطح جهان تبدیل شده است.

با بنحال؛ مردم آمریکا عمدتاً این مسله را فراموش کرده اند که جنگ در افغانستان (18) سال است که دوام دارد و یکی از طولانی ترین جنگ در تاریخ ایالات متحده (آن را به نقطه عطف قبلی یا مرحله برجسته که توسط جنگ ویتنام تنظیم شده بود و در فبروری «2019» گذشت و یا سپری شد) بوده است؛ با گذشت سال ها؛ پوشش مطبوعات بطرز چشمگیر به ارتباط این جنگ کاهش یافته است؛ بر اساس اعلامیه مرکز پژوهش **پیوو** (Pew) برای ژورنالیزم و رسانه ها؛ افغانستان در سال (2007) یک درصد پوشش

رسانه‌ها ای در آمریکا و کمتر از (4) درصد طی سال (2010) را بخود اختصاص داده بود اما از هنگامیکه پنتاگون (100000) سرباز را در افغانستان مستقر ساخت و در حدود بیش از (5101) بمب را بر آن کشور ریخت و یا که آن کشور را بمبارد کرد؛ امروز قضیه افغانستان در سطح پوشش رسانه‌ها ناچیز است یعنی که در رسانه‌ها از وضع جنگ در افغانستان چیزی گفته نمیشود و مرکز پژوهش **پیو** (Pew) دیگر حتی بعنوان یک موضوع آن را دنبال نمیکند.

در حقیقت، فعالیت نظامی در افغانستان دوباره در حال افزایش است. تعداد سربازان آمریکایی در آنجا مجدداً در تحت دولت **ترامپ** افزایش یافت. هم‌اکنون «15000 پرسنل نظامی آمریکایی به‌طور رسمی در این کشور مستقر شده‌اند. طبق گفته‌های فرماندهی نیروی هوایی ایالات متحده، حملات هوایی کنون در رکورد بسیار بالایی قرار دارد: در سال (2018) ما شاهد (7 هزار و 362) بمب بودیم که توسط نیروهای آمریکایی در افغانستان پرتاب شد.

از تاریخ «31» اوت سال جاری دفتر روزنامه نگاری تحقیقاتی حداقل «251،4» حمله هوایی در افغانستان را برای سال «2019» ثبت کرده بود که بیش از دو برابر کل برای کل سال «2018» بود. گفته می‌شود که بیشتر این موارد یا تلفات توسط هواپیماهای بدون سرنشین انجام شده است. این حملات فزاینده‌ای بر مردم افغانستان است. امسال طبق اعلام سازمان ملل متحد، نیروهای ائتلاف خارجی برای نخستین بار از زمان آغاز ماموریت شان در افغانستان در ضبط تلفات غیرنظامیان در سال «2009»، همت گماشته مسئولیت کشته شدن غیرنظامیان بیشتر از طالبان یا نیروهای وابسته به داعش را بر عهده داشتند یعنی که توسط طالبان و گروه داعش صورت گرفته است. از اول ژانویه تا «30» ژوئن، ارتش بین‌المللی نیروها مسئول «89» فیصد از (519) تلفات غیرنظامیان - (363) کشته و (156) مجروح - ناشی از عملیات هوایی بودند.

این جنگ فقط؛ جنگ با هواپیماهای بدون سرنشین نیست که به طرز چشمگیری گسترش یافته است. ارتش آمریکا از این جنگ برای آزمایش و بهبود تاکتیک‌های دیگر نیز استفاده کرده است.

جنگ اطلاعاتی

در سال (2007) نیروهای آمریکایی شروع به گرفتن عکس، اثر انگشت و اسکن قزحیه (Iris) چشم تقریباً از هر افغانی که با آن روبرو شده‌اند کردند که تا سال (2011)

تقریباً دو میلیون نفر افغان - بیش از (5) فیصد از جمعیت افغان - مشخصات بیومتریک خود را توسط ارتش آمریکا اسیر کرده بودند یعنی که این مشخصات نزد امریکایی ها در ضبط و قید بماند. و در بیشتر موارد ادعا می شد که این کار در مورد بازرسی اشخاص مشکوک یا به عنوان بخشی از روند درخواست برای مشاغل با نیروهای امنیتی دولت یا در پایگاه های ائتلاف انجام شده است ، اما ممکن است در هر زمان و تقریباً به هر دلیلی که بود چنین اتفاق افتاد .

پنتاگون در مورد گفت این اقدام تا کنیکی که آنرا «تبارزهویت = Identity Dominance» می نامد با هدف شناسایی شورشیان بخاطر جلوگیری از نفوذ آنها صورت گرفت اما باور بر این است که مامورین نیروهای دریایی ایالات متحده حین حمله بر محوطه ای در پاکستان در سال (2011) به منظور پیدا کردن اسامه بن لادن از چنین تاکتیک استفاده شد در عراق جایکه ایالات متحده قبلاً ضبط بیومتریک را برای کنترل حرکت افراد از مایش کرده بود بویژه در مناطق بیشتر در حال درگیری مثلاً در فلوچه عراق از این تاکتیک استفاده شده بود ایالات متحده در ماه سپتامبر بیشتر از هر ماه از سال 2010 ، افغانستان را بمباران کرد ، اما "شمار تلفات" پنهان مانده است

شگفت آور است که شاید ترس از نظارت در بین مردم عادی فراگیر باشد. شایعات در مورد تکنیک های جدیدی که برای جاسوسی از مردم استفاده می شود وجود دارد: **خالد** و دوستش **نعمت الله** داستانی را که می توان بر روی لباس های شما مالش داد گفتند تا که به راحت میتوانید ویا با ید به راحت تر بتوانید ردیابی کنید. این داستان ها ظاهراً به یک مکان نیزم دفاعی جدید در میان ننگر هاری ها منجر شده است. شما فقط لباس های خود را برداشته و به درون آب می روید. آنها می گویند که به نوعی سیگنال ها را متوقف می کند. "

عبید علی ، تحلیلگر مستقر در کابل در شبکه تحلیلگران افغانستان ، که به طور گسترده در مورد عملیات هوایی نوشته است ، می گوید که در مورد دستگاه های ردیابی بدنی گفته شده است - البته کمی سنتی تر. وی به من گفت: "اینها واقعاً وسایل الکترونیکی کوچکی هستند که در لباس شخصی قرار می گیرند." ویا که قرار میدهند

سخنگوی وزارت دفاع گفت: پنتاگون به دلایل امنیت عملیات ها که انجام میدهد نمی تواند ویا که نمیخواهد در مورد تاکتیک ها ، تکنیک ها یا رویه ها اظهار نظر کند. **رحمت الله نبیل** نامزد ریاست جمهوری که دو بار به عنوان رئیس اطلاعاتی افغانستان در سال «2010»

تا « 2015 » خدمت کرده است - می گوید که مردم به طور قطع ردیا بی شده اند: اما این بیشتر از طریق سیگنال های تلفن همراه انجام می شود. **نبیل** می گوید ، این امر باعث شده تا طالبان به برخی از روشهای آشنا اعتماد کنند تا از ردیا بی آنها جلوگیری شود: "آنها از ساده ترین تلفن های همراه استفاده می کنند و مرتباً هر چند ساعت مکان خود را تغییر می دهند. آنها هرگز بیش از « 48 » ساعت در یک منطقه واحد نمی گذرانند. " یا اقامت نمیکنند.

در بسیاری از مناطق این کشور ، خدمات تلفن معمولاً توسط طالبان در غروب آفتاب قطع می شود. و در ماه آگوست ، طالبان اعلام کردند که آنها کارمندان شرکت ارائه دهنده دولتی Salaam Telecom را هدف قرار می دهند ، و گفتند که کارگران این شرکت "به سازمان های اطلاعاتی گره خورده اند".

در بسیاری از مناطق تحت کنترل طالبان ، داشتن یک تلفن هوشمند صرفاً می تواند این ظن را ایجاد کند که شخص عامل اطلاعاتی است. این بدان معناست که حتی اگر مردم بعد از حمله تروریستی یا عملیات امنیتی ، اغلب از تلفن ها برای بررسی عزیزان استفاده می کنند ، برخی تصمیم به کنار گذاشتن آنها گرفتند.

اما حتی اگر تلفن همراه خود را دور بیندازید ، از وارد شدن به سرباز آمریکایی در گشت زنی پرهیز کنید و می توانید اطلاعات بیومتریک خود را برای خود حفظ کنید ، هنوز هم می توانید درگیر جنگ شوید.

بارما دریا بمب ما دری :

دستگاه ویا بمی که در یک محله کوچک در منطقه **آچین** مربوط به ولایت ننگرهار سقوط داده شو ویا پرتاب گردید ؛ و برای مدت یک ساعت رانندگی درجا ده پرمخا طره از جلال آباد در اپریل سال (2017) مسدود و هرگز هیچ بمی نبود یعنی که هیچ کدام حمله ای بمی صورت نگرفت ؛ بمب (GB4-43/B) پرتاب شده دارای وزن (21600) پوند یا (9800) کلیوگرام و قیمت آن (170) هزار دلار بود که یکی از قدرتمندترین سلاح غیر هسته ای بوده که تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است وساحه تخریب این بمب به اندازه از بین بردن (9) بلاک شهری بود تاجا یکه این بمب سریعاً بنام بمب ما دری معروف شد.

دولت افغانستان با گفتن اینکه دست کم « 94 » مبارز داعش را کشته است ، تلاش کرد این اعتصاب یا پرتاب این بمب را توجیه کند. اما رئیس جمهور پیشین افغانستان « **حامد کرزی** » آن را نمونه ای مهم از چگونگی استفاده ایالات متحده از افغانستان برای آنچه که مربوط به جنگ آزمایشی بود ، نامید. وی در توئیتر خود نوشت: " این جنگ

علیه تروریسم نیست بلکه سوء استفاده های غیرانسانی و بی رحمانه از کشور ما به عنوان آزمایش زمینه سلاح های جدید و خطرناک است."

نبیل ، رئیس سابق اطلاعات ، موافق است. و آن اینکه آیا آنها تاکنون در هر جای دنیا از چنین سلاحی استفاده کرده اند؟ نه ، "ا و به من گفت. "روشن است که **آچین** فقط مکانی مناسب برای آزمایش سلاح های آنها بود."

دولت ادعا میکند که این بمب پرتاب شده در **آچین** باعث کشته شدن جنگجویان ویا شورشیان خارجی شماری از کشورها شد ؛ اما پس از بمباران ویا بعد از پرتاب این بمب آن دهکده «**آچین**» برای روزها و هفته ها زیر نظر ارتش ایالات متحده امریکا در تحت نظارت بود و در ده کیلومتری از ساحه تخریب شده توسط بمب به روزنامه نگاران و پژوهشگران اجازه داده نشد که از محل بازدید بعمل آورند ؛ پس مشخص شد که به مقامات نظامی و دولتی محل اجازه ورود به محل داده نشد تا که آنها میتوانند از محل اصابت آن بمب مادی بازدید بعمل می آوردند. و تا اکنون یعنی با گذشت تقریباً دو نیم سال از آن زمان تا هنوز به روزنامه نگاران و پژوهشگران اجازه داده نشده ویا که آنها این چانس را بدست نیاورده اند که به محل دقیق بمب پرتاب شده برسند تا آنچه را که در آنجا اتفاق افتاده است کشف و پژوهش نمایند.

پس چرا چنین بمب بزرگ استفاده شد؟ ویا که چرا این بمب مادی در **آچین** مربوط ولایت ننگرهار پرتاب شد؟ قابل تذکر است که چند روز پس از سقوط ویا پرتاب بمب مادی (MOAB) **مایک پنس** (Mike Pence) معاون رییس جمهور ایالات متحده یک انگیزه ای را مطرح کرد یعنی که او در سخنرانی خود واقع در **Seoul = پایتخت کوریایی جنوبی**) گفت : فقط در دو هفته گذشته « جهان شاهد قدرت و عزم رییس جمهور جدید ما در اقدامات انجام شده در سوریه و افغانستان بود ؛ لذا برای کوریایی شمالی بهتر خواهد بود که عزم و اراده یا توان و قدرت نیروهای مسلح ایالات متحده را در این منطقه آزمایش نکند » وی افزود « دوران صبر ویا شکیبایی استراتژیک به پایان رسیده است . » .

بدون تحقیق ویا بررسی

همه اینها یعنی همه حوادث و وقوعات بدتر می شود زیرا ارتش امریکا همیشه در مورد عملیات خود شفاف نبوده است یعنی عملیات های را که انجام میدهد عاری از شفافیت است دیده بان حقوق بشر در گزارشی از سال « 2018 » خود گفته است که نه دولت های امریکا و

نه افغانستان به اندازه کافی برای بررسی نقض احتمالی قوانین جنگ اقدام نکرده اند. افغانهای حاضر در زمین موافقت یعنی باشندگان افغان خواهان شفافیت هستند. من از سال « 2015 » و در استانیهای یا در محلات و ولایات سراسر کشور با صدها نفر افغان صحبت کرده ام. هر بار ، آنها گفته اند که تعداد کافی از مردم از اعتصاب و یا حملات و هجوم ها و اجرای عملیات ها در مناطق خود سؤال نکرده اند. و حتی که تاجایی گزارش های مستقلی وجود دارد ، که آنها متهم به تعصب سیاسی علیه مقامات کابل و ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده هستند.

عمران فیروز ، یک روزنامه نگار و نویسنده افغان و اتریشی که از سال « 2011 » فعالیت های هوایی را در افغانستان ردیابی می کند ، تأیید می کند: "مشکل اصلی این است که اکثر این اعتصابات یا هجوم های هوایی تحت پوشش شبانه در مناطق غیر قابل دستیابی انجام می شود ، اغلباً در محلات زیر کنترل یا نفوذ گروه هایی مانند طالبان ، و این باعث می شود که هر کسی به موقع برود و تحقیق کند ، امر دشوار است."

نزدیک به « 20 » سال بعد این درگیری شدید تر شده است ، و هیچ نشانه ای از پایان یافتن آن نیست. به نظر می رسد دیپلماسی بین طالبان ، دولت افغانستان و دولت **ترامپ** پیشرفت کمی دارد. **ترامپ** ، که ادعا می کرد جلسه ای پنهانی با طالبان در خاک آمریکا که برای ماه سپتامبر برنامه ریزی شده بود ، لغو کرده ، قول داده است مذاکرات را تا زمانی ادامه نخواهد داد که جنگجویان طالبان حمله به غیرنظامیان افغان و نیروهای آمریکایی را ادامه دهند.

تا زمانی که اطلاعات نظامی ضعیف باشد ، این فقط طالبان نیست که افغان ها باید از آن بترسند. در ماه ژوئیه ، کشته شدن حداقل هفت غیرنظامی ، از جمله سه زن ، منجر به اعتراض در ولایت شرقی میدانی وردک شد ، جایی که ساکنان تهدید به تحریم انتخابات آینده ریاست جمهوری کردند مگر اینکه اگر اقدامی صورت گیرد. اما این اعتراض کمتر به اقدامات نظامی برای تغییر در نحوه اقدامات نظامی انجام داده شد. در ماه سپتامبر ، حداقل « 30 » غیرنظامی در یک حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در نزدیکی یک میدان آجیل کاج در خوگیا نی مربوط ولایت ننگرهار کشته شدند. مقامات ولایتی می گویند ویا که گفتند که این حمله برای هدف قرار دادن مخفیگاه نیروهای داعش بوده است ، اما ساکنان می گویند که این غیرنظامیان بودند که بار دیگر این قیمت را با از بین رفتن خود پرداخت کردند.

نبیل ، رئیس سابق اطلاعات ، می گوید بهترین راه برای بهبود امور ، دور شدن از فناوری و بازگشت به سمت جمع آوری اطلاعات مناسب است. وی گفت: "ما باید بهتر از طالبان باشیم - باید اطمینان حاصل کنیم که از زندگی غیرنظامیان به هر قیمتی محافظت می کنیم." وی می گوید ، در دوره تصدی خود در اداره امنیت ملی ، عملیات هوایی فقط هنگامی انجام می شد که وی اطلاعات مربوط به اهداف مشکوک را تأیید کرده بود. " شما نمی توانید با شنیدن یک کلمه یا سوء ظن یا اطلاع بدست آمده فقط بخاطر یک یا دو نفر بروید. شما باید محتاطانه عمل و یا کار خود را انجام دهید ، در غیر این صورت در شرایطی قرار خواهید گرفت که امروز غیرنظامیان به طور مداوم توسط نیروهای خود ما کشته می شوند. " و او بمن گفت :

خالد و نعمت الله موافق هستند که افزایش تعداد اعتصاب ها همه بی هدف است. آنها پرسیدند: "حتی مردم روستاها یا ولایات ها می دانند که طالبان و داعش در (کجا) هستند ، اما چرا این است که غیرنظامیان در این حملات می میرند؟ "

نعمت الله گفت: "من «16» ساله بودم که دیدم فردی در اثر اصابت هواپیمای بدون سرنشین جان خود را از دست داد. "از آن زمان بسیاری از بدن ها ، خون آنها ، و مغز آنها را تمیز کرده ام. یاکه پاک کرده ام قلب من اکنون سنگ است ، زیرا همیشه مردم بی گناه می میرند. "

با تقدیم سلام ها «2019-11-08»

